

سال بیست و دوم

شماره ۱۰ -

دیماه ۱۳۲۰ شمسی

مَجَلَّةٔ اَرْمَغَانُ

تأسیس بهمن ماه ۱۳۱۸ شمسی

{ مدیر - وحید دستگردی }

زبان فارسی را دریابید

حضرت آقای فروغی - حضرت آقای تدین

شما خود بیشتر از همه کس بحفظ زبان فارسی یعنی زبان فردوسی و نظامی و سعدی علاقه مند هستید .

شما بهتر از همه کس میدانید که اساتید سخن فارسی در راه تکمیل و تأسیس این زبان چه زحمت ها کشیده و چگونه شروشر پارسی را با فصاحت و بلاغت و شیرینی و ملاحظت آمیخته بمذاق تمام عالمیان سازگار گردانید .

زبان فارسی عصر کیان و ساسان اگر بدست هم بیاید دارای جنبه ادب نبوده و با مذاق گیتی سازگار نیست و درست نسبت فارسی کنونی ما با فارسی قدیم همان نسبت زبان عربی است با زبان عبری که هنوز قوم یهود بدان تکلم میکنند و اگر غلط نکنم کیفیت تولید زبان عرب از زبان عبری هم مانند زادن زبان فارسی کنونی ما بوده است از زبان باستانی اوستا و ساسانی . در هر حال مقصود ما اینست که زبان فارسی کنونی ما اساس نژاد و

قومیت ماست و هر ایرانی باید در پاس این زبان از هیچگونه فداکاری کوتاهی نکند.

پادشاهان پیشینه و بزرگان دیرینه ایران شعرای بزرگ و سخن‌شناسان سترک را هزاران گونه تشویق و تکریم و همراهی کردند تا بوسیله آنان این زبان شیرین و سازگار با مذاق تمام اهل جهان بوجود آمد.

همیشه وزیران درجه اول و حکمرانان کسانی بودند که زبان آنان چامه فصاحت میسرود و خامه آنان نامه بلاغت مینگاشت و پیدایش بیوهی‌ها در اوائل و قائم مقامها در اواخر برهان قاطع بر دعوی ماست.

مهمل سرایان در هر عصر ضرب‌المثل و سبک‌ترین اشخاص و راندگان از هر محفل و مجلس بحساب می‌آمدند.

ژانر طبعان در قدیم و مهمل گوئی دلشاد ملک معارف هنوز هم خنده انگیز مجالس و محافل است.

از دوره قائم مقام و امین‌الدوله و علی‌آبادی که منشآت آنان در کتبخانه‌های ذوق و ادب یادگار است بس شیوا هنوز چندی نگذشته که ناگهان معدودی بنام اعضای فرهنگستان!! در گوشه جمع و برای وزن شعر چند نفر از فضلا و علمای درجه اول راهم مهر خموشی و سکوت بر دهان زده و بند آهنین بر زبان و بیان بسته بدانجا بکاه گشاییده و عکس‌العمل آن عصر بلاغت و دوره فصاحت را بوجود آوردند. فضلا با حسرت تماشا میکردند و ساکت بودند و آن معدود و گروهی که معنی هیچ کلمه فارسی را نفهمیده و برخلاف جامعه فارسی زبان و تمام کتب لغت فارسی و تمام دواوین شعر اساتید کلمه (دام) را گاو و گوسفند و زمین را آسمان و شب را روز ترجمه کرده یکباره زبان شیرین فارسی را از رونق و جمال انداخته و درست بضدیت فردوسی و معدی و برخلاف قائم مقام‌ها و علی‌آبادی‌ها

و امین‌الدوله‌ها زبان را فاسد و اسباب تمسخر و استهزای عالمیان ساختند . کتب شعر و نثر اساتید را همه کس دیده و خوانده منشآت قائم مقام هم چاپ شده و بدسترس همه کس هست اکنون چند فقره از انشاها و ترکیبات فرهنگستان را هم که از طرف دوائر دولتی باعث درد سر عموم شده و همه را مات و مبهوت و متحسر و متحیر ساخته است برای مقایسه می‌نگاریم .

بانك رهني قبض رسيد بده‌كاران را چنين املا و انشا ميكند (آقای . . . اقلام زیرین به بستانگار و امدار شما رسیده است .) ۱۱
ازین عبارت چنين استفاد ميشود كه بده‌كار بانك يك و امدار دارد و آن و امدار هم يك بستانگار دارد و بانك واسطه فیمابین شده از و امدار او گرفته و به بستانگار اورسانیده‌است .

در اولتیماتوم بانگی مینگارند (یادآوری مینماید که طبق ماده ۲۰ شرایط همگانی این بانك نسبت قسط عقب افتاده تا تاریخ بهره دبر کرد از قرار صدی ۱۲ در سال بحساب بدهکار شما محسوب الخ) البته فهم این عبارات با اهل زبانست و فارسی زبانان از درك معنی این جمل (بهره دبر کرد) (بدهکار شما) عاجزند .

در بانك ملی فرهنگستان کمتر رخنه کرده و حال زبان چنين است پس وای بر احوال عدلیه و ادارات دیگر و کتب علمیه که باین زبان ترجمه میشود !! دیروز یعنی آن زمان که این فضلا و علما پیدا نشده و فرهنگستان در ایران شرف حضور نداشت صاحب چنين انشا و املاي بانگی را برای دفتر داری در هیچ دکان قالی و علاقی راه نمیدادند ولی امروز ریاست دواير بانگملی با صاحبان این املا و انشا و زبانست !!

کتابی که بنام (واژه‌های نو) از طرف فرهنگستان منتشر شده تمام لغاتش از اول تا آخر غلط و بیهوده‌است و ما بتدریج غلط بودن این لغات را مدلل خواهیم داشت اصل کلمه واژه هم غلط و بسی جای تأسف است که بر فراز صفحه اول این مجمع الاغلاط که از طرف دشمنان زبان فاسی و اعدای فردوسی ایجاد شده يك مصراع شیوا هم از حکیم فردوسی بحکم الهام آسمانی نوشته شده (توانا بود هر که دانا بود) و در حقیقت خود بنا توانی و نادانی خود اقرار و اعتراف کرده اند.

جمله (ستاد ارتش) یعنی چه؟ ارتش را در شماره ۶-۰ ثابت کردیم که اره و تیشه است و مخصوصاً - ار - بتخفیف راء بهمین معنی در شعر اساتید هم علاوه بر زراتشت بهرام آمده. اثیر اخسیکتی گوید:

كلك مانی طبعش آن استاد چابك صورتست

کازر اندر دستگاه صنعتش ار می کشد

پس جمله ستاد ارتش یعنی چابک اره و تیشه ایستاده باشد و خوابیده یا نشسته نباشد.

در این اواخر کلمه (خستو) هم بمعنی مقر و معترف وارد عدلیه شده و در تمام محاکم قدوم این غلط بزرك با تهنیت پذیرفته شده است. این هم يك مهارت بزرگی است که در هر فرهنگ و لغتی که يك غلط از مؤلف آن یافت شود فرهنگستان ما بر مل و اسطرلاب آن غلط را پیدا کرده و فوری بنام خود و شام خرابی زبان در ادارات وارد میکند فرهنگ نویسان عصر صفوی اشتباه و غلط فراوان دارند و هزارها اشتباه در فرهنگ جهانگیری و فرهنگ سروری و برهان قاطع میتوان یافت و مدلل کرد.

چنانکه پیش از این هم گفته‌ایم - کرم بادامه - کرم ابریشم است و در فرهنگها هم ضبط است . اما مؤلف جهانگیری بمعنی اینکه در يك نسخه غلط از دیوان حکیم نظامی بجای کرم بادامه - کرم بهرامه دیده با آنکه کرم بادامه را هم خودش ضبط کرده (کفن حله شد کرم بادامه را) فوری کرم بهرامه را هم لفت کرده و بمعنی کرم ابریشم ضبط کرده است و اینقدر هم توجه نداشته که يك نسخه دیگر نظامی رجوع کند تا بداند نسخه خاص وی غلط بوده است . در باب (خستو) هم همین وضع پیش آمده و کلمه هستو که مخفف هست او و در زبان فارسی قدیم اقرار بوجود و ازلیت و ابدیت خدا بوده و اساتید سخن از قبیل فردوسی و اسدی همین معنی باصنعت جناس در شعر آورده اند در يك نسخه کاتب غلط نویسی (خستو) نوشته فرهنگ نگار با آنکه خودش هستو را بمعنی مقر و معترف ضبط کرده (خستو) را هم در همان بیت از نسخه دیگر گرفته و بمعنی مقر ضبط کرده و ابدأ فکر نکرده است که یکی ازین دو باید غلط کاتب باشد . فرهنگستان هم این غلط را با اسطرلاب پیدا کرده و برای استعمال به دلایه فرستاده است در صورتیکه اگر هستورا هم میفرستاد باز هم غلط بود زیرا معنی هستو اقرار بوجود خداست نه اقرار بجنحه و جنایت و طاب و امثال آن .

فرهنگ سروری مینگارد هستو - بر وزن بدخو مقر و معترف بود و آنرا خستو نیز گویند !!

اسدی فرماید

بهستیش هستو شوی از نخست اگر خویشتن را شناسی درست

فردوسی فرماید

بهستیش باید که هستو شوی زگفتار پیکار یکسو شوی

مسلم شاعر بزرگ هستورا برای صنعت تجنیس ناقص آورده و هرگز خستو بخاطرش خطور نکرده است .

عجب تر اینکه همین فرهنگ نویسان تخم میوه (هسته) را نیز خستوهم گفته اند، در صورتیکه عوام درجه اول هم هسته تلفظ میکنند نه خستو علاوه هرگاه خدارا به (هستو) وصف کنیم وجود بقای او قائل شده ایم و هرگاه بخستو وصف کنیم منی دیگر دارد یعنی خدا همه موجودات را خست یا آنکه خودش خسته شد !! باری مقصود ازین مقاله بیان اغلاط نبود بی اختیار در این موضوع وارد شدیم ، اینک انتظار از مقامات علمی و ادبی حضرت آقای فروغی - حضرت آقای تدین چنان داریم که بایک تصمیم فوری قلم بر سرواژه های نو و واژه سازان ا در کشیده و زبان کهن سال فردوسی را از خطر نجات داده روان فردوسی و نظامی و سعدی را شاد فرمایند ، نیز از فضلا و علمای معدودی که با زبان بسته و قلم شکسته در این گریوه باجبار دعوت شده و بگوشه نشسته بودند انتظار داریم که بفوری استعفا بلکه عضو نبودن خود را در جراند اعلان و اطلاعات خود را در خصوص خرابی زبان برای جراید خاصه مجله ارمغان ارسال فرمایند نیز امیدواریم که عمارت فرهنگستان بزودی کتابخانه ملی مسجد سپهسالار شود و کتب نفیس گرانبهای صحیح بجای (واژه های نو) غلط مسأقر گردد و نموداری هم از واژه ها و ترکیبات نورانیادگار فرهنگستان در یک قفسه مخصوص گذاشته تا بد عبرت ناظرین قرار دهند .

وحید

